

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۶/۰۱/۲۸

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله نقد و بررسی آیات استدلال شده بر عدالت تمام صحابه (۷) - بغض، سب و لعن امیرالمؤمنین توسط صحابه! (۲)

در رابطه با بحثی که دیروز داشتیم، از «ابن تیمیه» نقل کردیم که می‌گوید:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه»

بسیاری از صحابه و تابعین بغض علی را در دل داشتند.

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحرائي أبو العباس، دار النشر: مؤسسة

قرطبة - ۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج ۷، ص ۱۳۷

ما گفتیم روی تک تک این مباحث و عبارات «ابن تیمیه» باید کار شود تا ببینیم چه نتیجه‌ای گرفته می‌شود. می‌گوید:

«كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه»

بسیاری از صحابه عداوت علی را داشتند.

حال ما می‌پرسیم: «ما هو حکم من أبغض عليا»؟

اگر به کتاب‌های عزیزان اهل سنت مراجعه کنیم، در کتاب «صحیح مسلم» حدیث ۷۸ از قول حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نقل می‌کند:

«وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ إِنَّهُ لَعَهْدُ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ إِلَيَّ أَنْ لَا يَجِبَنِي إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يَبْغِضَنِي إِلَّا مُنَافِقٌ»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۱، ص ۸۶، ح ۷۸

این روایت در صحیح مسلم هست و از نظر سند قابل خدشه نیست.

از طرفی «ابن تیمیه» می‌گوید:

«كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه»

و از این طرف هم «صحیح مسلم» نقل می‌کند:

«ولا يبغضني إلا منافق»

بنابراین معلوم می‌شود که عده زیادی از صحابه منافق بودند و شخص منافق را هم نمی‌توان عادل دانست. شما می‌گوئید:

«والصحابه كلهم عدول»

المجموع، نویسنده: النووی، ج ۱، ص ۶۲، فصل الحدیث المرسل

و همچنین:

«الصحابه كلهم من أهل الجنة قطعاً»

قطعاً تمام صحابه اهل بهشت هستند.

الإصابة في تمييز الصحابة، المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علي بن حجر العسقلاني (المتوفى: ٨٥٢ هـ)،
تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلي محمد معوض، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى
- ١٤١٥ هـ، ج ١، ص ١٦٣، الفصل الثالث

قرآن کریم هم می فرماید:

(إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ)

منافقان (سخن به مکر و خدعه و) دروغ می گویند.

سوره منافقون (٦٣): آیه ١

و:

(إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ)

منافقان در طبقه زیرین جهنم اند.

سوره نساء (٤): آیه ١٤٥

این مسئله با عدالت جمیع صحابه سازگار نیست! حال ما کاری نداریم، اصلاً همین حرف «ابن تیمیه» برای ما ملاک است و از اینجا هم بیرون نمی رویم. آقای «قرطبی» متوفای ٦٧١ هجری در کتاب «تفسیر قرطبی» جلد اول صفحه ٢٦٧ می نویسد:

«ما روی عن جماعة من الصحابة أنهم قالوا: ما كنا نعرف المنافقين على عهد رسول الله إلا يبغضهم لعلی

عليه السلام»

از جماعتی از صحابه نقل شده است که می‌گویند: در زمان ما اگر می‌خواستیم ببینیم مؤمن و موافق چه کسی است علی برای ما ملاک بود. هرکسی بغض علی را داشت، می‌فهمیدیم منافق است.

الجامع لأحكام القرآن، اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي، دار النشر: دار الشعب - القاهرة، ج ۱، ص ۲۶۷، باب البقرة: (۳۰) وإذ قال ربك... ..

این مسئله هم از قول جماعتی از صحابه است، نه یک یا دو نفر! یعنی در حد متواتر است. آقای «آلوسی» هم در کتاب تفسیر «روح المعانی» جلد ۲۶ می‌نویسد:

«أخرج ابن مردويه عن ابن مسعود قال: ما كنا نعرف المنافقين على عهد رسول الله صلى الله تعالى عليه وسلم إلا ببغضهم على بن أبي طالب»

ابن مردويه از ابن مسعود نقل می‌کند: ما در زمان پیغمبر اکرم منافقین را با بغض علی بن ابی طالب شناسایی می‌کردیم.

«وأخرج هو وابن عساكر عن أبي سعيد الخدري ما يؤيده»

همچنین ابن مردويه از ابن عساكر و او از ابو سعيد خدري نقل می‌کند که این روایت را تأیید می‌کند.

روح المعانی، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود الألوسي البغدادي، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ۲۶، ص ۷۸، باب محمد: (۳۰)

آقای «آلوسی» که از علمای برجسته اهل سنت است و تفسیر ایشان عصاره تفسیر شش قرن اول اسلام است و همه مذاهب اهل سنت برای او احترام ویژه قائل هستند، در ادامه همان مطلب فوق می‌نویسد:

«وعندی أن بغضه رضی الله تعالى من أقوى علامات النفاق»

به نظر من بغض علی از قوی‌ترین نشانه‌های نفاق است.

«فإن أمنت بذلك فيأليت شعري ماذا تقول في يزيد الطريد»

اگر تو به این ایمان داشتی ای کاش من درباره یزید آواره می‌دانستم که

«أكان يحب عليا كرم الله تعالى وجهه أم كان يبغضه»

آیا یزید علی بن ابی طالب را دوست می‌داشت یا با او دشمن بود؟

«ولا أظنك في مربة من أنه عليه اللعنة كان يبغضه رضی الله تعالی عنه أشد البغض وكذا يبغض ولديه

الحسن والحسين علی جدهما وأبويهما وعليهما الصلاة والسلام كما تدل علی ذلك الآثار المتواترة معنی»

روح المعانی، اسم المؤلف: العلامة أبی الفضل شهاب الدین السید محمود آلوسی البغدادی، دار النشر:

دار إحياء التراث العربی - بیروت، ج ۲۶، ص ۷۸، باب محمد: (۳۰)

ایشان با این بیان، حرف دیگری برای گفتن باقی نگذاشت. «ابن تیمیه» می‌گوید:

«كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه»

آلوسی هم در اینجا می‌گوید:

«أقوى علامات النفاق»

او بغض علی بن ابی طالب را از علامات نفاق قرار داده است و یزید را هم به عنوان نمونه مثال می‌زند.

همچنین در کتاب «إتحاف الخيرة» اثر «بوصیری» متوفای ۸۴۰ هجری جلد نهم وارد شده است:

«وعن علي بن أبي طالب، رضي الله عنه، قال: طلبني رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فوجدني في جدول نائماً»

از علی بن ابی طالب نقل شده است که فرمودند: رسول الله دیدند که من در کنار دیواری خوابیده بودم.

«فقال: قم ما ألوم الناس يسمونك أبا تراب»

فرمودند: شما روی خاک خوابیدید، دیگر مذمت نمی‌کنم اگر کسی تو را ابو تراب بگوید.

«قال: فرآني كأني وجدت في نفسي من ذلك»

من گفتم: من احساس کردم که چنین اتفاقی خواهد افتاد.

«فقال قم والله لأرضينك أنت أخي و أبُو ولدي تقاتل عن سنتي وتبرج ذمتي من مات في عهدي فهو كنز

الله ومن مات في عهدك فقد قضى نجه ومن مات يحبك بعد موتك ختم الله له بالأمن والإيمان طلعت

شمس أو غربت»

تا اینجا کاملاً روشن و واضح است، در ادامه وارد شده است:

«ومن مات يبغضك مات ميتة جاهلية وحوسب بما عمل في الإسلام»

هرکسی به بغض تو بمیرد، با مرگ جاهلیت از دنیا رفته است. حال اگر در اسلام کار خیری انجام داده

است بدون پاداش نمی‌ماند.

إتحاف الخيرة المهرة بزوائد المسانيد العشرة، المؤلف: أحمد بن أبي بكر بن إسماعيل البوصيري، الناشر:

دار الوطن - الرياض، الطبعة: الأولى - ١٤٢٠ هـ، ج ٧، ص ٢٠٢، ح ٦٦٧٢

بعد در انتها می‌گوید:

«رواه أبو یغلی بسند رواته ثقات»

بنابراین «کثیرا من الصحابة و التابعین» که آقای «ابن تیمیه» بیان کرد، کاملاً روشن است.

اگر شخص کافر در اسلام کار خیری انجام داده است یا صدقه بدهد یا به یتیمی کمک کرده باشد خداوند عالم او را بدون پاداش نمی‌گذارد. ما در مورد «حاتم طائی» می‌شنویم با وجود اینکه پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را درک نکرد، به خاطر کارهای خیری که در دنیا انجام داد خداوند متعال در آخرت به او تخفیف می‌دهد.

در اینجا می‌گویند که اگر کسی به بغض علی بن ابی طالب از دنیا برود، به خاطر اسلام و ایمانش پاداشی نمی‌برد و به عنوان مسلمان با او برخورد نمی‌کنند؛ بلکه به عنوان غیر مسلمان با او برخورد می‌کنند!!
کارهای خیری که در اسلام انجام داده محاسبه می‌شود. او به عنوان مسلمان از دنیا نمی‌رود، اما:

(إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا)

ما هم اجر نیکوکاران را ضایع نخواهیم گذاشت.

سوره کهف (۱۸): آیه ۳۰

هر کافر یا مؤمنی که کار نیک انجام بدهد پاداش آن را خواهد دید. به عنوان مثال اگر شخص مسیحی، یهودی یا لائیک یک بیمارستان بسازد که به واسطه آن هزاران مریض مداوا شود خداوند عالم پاداش این کار خیر او را خواهد داد.

حتی ما معتقدیم افرادی که اسلام به آن‌ها نرسیده است، اما طبق ارشادات عقلی عمل کرده‌اند، فردای قیامت خداوند نتیجه عمل به ارشادات عقلی را به آن‌ها خواهند داد. اگرچه این افراد نمی‌توانند به بهشت بروند، در جهنم برای این افراد تخفیفاتی قائل می‌شوند.

در روایت وارد شده است که رسول گرامی اسلام در مورد بعضی از کسانی که وارد آتش جهنم می‌شوند می‌فرماید: آب و غذا برای آن‌ها برده می‌شود. سپس مردم از رسول گرامی اسلام سؤال می‌کنند: از بهشت برای این افراد آب و غذا برده می‌شود؟! آن حضرت فرمودند: شما کاری نداشته باشید.

بنابراین افرادی که بدون ایمان از دنیا رفته‌اند، اما به خاطر اینکه عمل صالح داشتند و اسباب سرور مردم را فراهم کردند حتی اگر در آتش جهنم هم بروند خداوند عالم برای این افراد تخفیف قائل می‌شود.

پرسش:

ممکن است برای کفار این را بگوئیم زیرا آیه شریفه فرمود:

(وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا)

و ما تا رسول نفرستیم هرگز کسی را عذاب نخواهیم کرد.

سوره اِسْرَاء (۱۷): آیه ۱۵

اما برای مسلمانان نمی‌توانیم بگوئیم زیرا:

(إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ)

خدای تعالی قربانی را از مردم با تقوا قبول می‌کند.

سوره مَائِدَه (۵): آیه ۲۷

اینجا دیگر حجت تمام است.

پاسخ:

بله در بحث اعمال عبادی و اعمالی که تقرب در آن شرط است به همین صورت است، اما در بحث اعمال توسلی به این صورت نیست. به عنوان مثال شخص کافری بیمارستان ساخته است. یا نه، شخص بغض امیرالمؤمنین در دل دارد و به همین جهت محروم از رفتن به بهشت است، اما یک سری کارهای نیک انجام داده است. خداوند به این شخص پاداش می‌دهد؛ حال «**وحوسب بما عمل فی الإسلام**» فرقی نمی‌کند در دنیا یا در آخرت باشد. ما در مورد پاداش در آخرت هم روایات صریحی داریم.

بله، اگر کسی به خاطر بغض امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بخواهد کار خیر انجام بدهد، این در حقیقت آتش است و اصلاً نمی‌توان به آن، کار خیر گفت!

پرسش:

امام صادق (علیه السلام) در روایتی فرمودند: دشمنان ما اهل بیت چه نماز بخوانند و چه زنا بکنند فرقی ندارد! این صحیح است؟

ما گفتیم کارهای عبادی در چیزی که تقرباً الی الله و عبادی است مقبول نیست. شرط مقبولیت اعمال تعبدی قطعاً ولایت است و در آن هیچ شکی نیست، اما کارهای توسلی به چه صورت است؟! آیا کارهای توسلی هم از اینها مقبول هست یا مقبول نیست؟!

در کتاب «کافی» جلد دوم صفحه ۱۹۸ وارد شده است:

«مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ طَلَبَ وَجْهِ اللَّهِ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ أَلْفَ أَلْفِ حَسَنَةٍ يُعْفِرُ فِيهَا لِأَقَارِبِهِ وَ جِيرَانِهِ وَ إِخْوَانِهِ وَ مَعَارِفِهِ وَ مَنْ صَنَعَ إِلَيْهِ مَعْرُوفاً فِي الدُّنْيَا فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قِيلَ لَهُ ادْخُلِ النَّارَ فَمَنْ وَجَدْتَهُ فِيهَا صَنَعَ إِلَيْكَ مَعْرُوفاً فِي الدُّنْيَا فَأَخْرَجَهُ يَأْذِنُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا أَنْ يَكُونَ نَاصِباً»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲،

ص ۱۹۸، ح ۶

مشاهده کنید که طبق بیان این روایت، نواصب از جهنم بیرون نمی‌آیند، اما غیر نواصب تنها به حساب اینکه خدمتی کردند و به افراد احسان کردند و اسباب سرور مردم را فراهم کردند خداوند عالم در آنجا به ایشان پاداش می‌دهد.

در صورتی هست که کارهای تعبیدی یا کارهایی است که شرایط شرعیت محفوظ است. به عنوان مثال کسی دزدی می‌کند و بعد از آن صدقه می‌دهد. قطعاً این صدقه دادن او مقبول نیست!!

ولی شخصی دیگر از پولی که بابت آن زحمت کشیده صدقه می‌دهد و به خداوند عالم ایمان هم ندارد. اگر از شما سؤال کنند آیا خداوند عالم به شخصی که چنین کاری می‌کند پاداش می‌دهد یا نمی‌دهد؛ شما چه جوابی می‌دهید؟! اصلاً این شخص کافر است و مسلمان هم نیست.

بحث ما درباره منافق و کسی است که بغض امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در دل دارد. این شخص نماز می‌خواند، روزه می‌گیرد، حج می‌رود و کارهای دیگری هم انجام می‌دهد.

این شخص در کنار این اقدامات خود چندین بیمارستان هم ساخته است، برای قربه الی الله هم ساخته؛ تنها برای اینکه مردم بروند از این بیمارستان‌ها استفاده کنند. تکلیف ما در این موارد چیست؟!

اگر به این شخص بگوییم که این کار تو پیش خداوند هیچ ارزشی ندارد؛ فردا از خداوند گله نمی‌کند؟! این شخص فردای قیامت به خدا عرض می‌کند که من بغض علی را در دل داشتم، و استحقاق بهشت تو را ندارم، اما بندگان تو را هم خوشحال کردم و اسباب نجات بیماران را فراهم کردم. آیا به من پاداش می‌دهی یا نه؟! ما در مورد «حاتم طائی» روایاتی فراوانی داریم. این شخص از دنیا رفت، درحالی‌که اصلاً اسلام نیاورد.

در هر صورت این روایت «عمل فی الإسلام» به این معنا هست که عرض کردیم و ما می‌خواستیم این روایت را توضیح بدهیم. حال اگر شما نمی‌خواهید این روایت را قبول کنید، بگویید که ما این روایت را قبول نداریم و روایت هم از دیدگاه آقایان صحیح است. تمام این روایات از باب احتجاج به خصم است.

پرسش:

اگر از این شخص وهابی پرسیم که تمام این خرج‌هایی که می‌کنید برای چه کسی است، بلافاصله می‌گوید: برای نابودی روافض!! این مسئله نگفته پیداست. کفار هم اینگونه هستند.

پاسخ:

نباید به این شوری هم فکر کنید. من با وهابیت عمری زندگی کردم؛ همین افراد در میان خود کسانی دارند که تنها راه را گم کردند و نمی‌دانند قضیه چیست. این افراد جاهل هستند و برداشتشان از کتاب و سنت اشتباه است.

شما وهابیت تکفیری و نواصب را با وهابیت اعتقادی و بر مبنای جهل، از هم تفکیک کنید. اصلاً ما کاری با دیگر کشورها نداریم، شما اگر داخل وهابیت و سلفی‌ها در داخل خاک عربستان سعودی بروید می‌بینید که قضیه اینطور هم که شما فکر می‌کنید نیست.

به عنوان مثال ما به منزل «شیخ عاتق» که یکی از علمای طراز اول مکه است می‌رفتیم، وهابی‌ها هم به آنجا می‌آمدند و با هم بحث می‌کردیم. ما هر بحث اعتقادی با این علمای وهابی می‌کردیم، «شیخ عاتق» می‌گفت: حق با این شیخ شیعه است، او راست می‌گوید!!

ما یک شب با این افراد بحث طولانی داشتیم. آن‌ها رفتند و یک فتوکپی از کتاب «انوار نعمانیه» و یک فتوکپی از کتاب «بحار الانوار» آوردند و گفتند: در این کتاب «انوار نعمانیه» به صحابه توهین شده است! من در آنجا تنها

در یک جمله گفتم در جلد دوم پاورقی صفحه ۱۰۸ از یکی از فقها و مراجع ما آیت الله انگجی وارد شده است که می‌گوید: خواندن و مطالعه بعضی از کتب «سید نعمت الله جزائری» حرام است!

زمانی که من این جمله را گفتم، «شیخ عاتق» با همین حرف طوری وهابیت را کوبید که بدون خداحافظی منزل ایشان را ترک کردند و رفتند. این شخص واقعاً مغرض نیست، اما وهابی است و قبل از اینکه بازنشسته شود فرمانده ارتش بوده است. ما نباید همه وهابیت را با یک دید نگاه بکنیم. ما تمام وهابیت را نباید با یک چوب برانیم.

به عنوان مثال «دکتر ابو سلیمان عبدالوهاب» عضو هیئت کبار علمای عربستان سعودی است. یعنی بعد از لجنه دائم افتاء که ۵ نفر به همراه مفتی اعظم عربستان سعودی هستند، شورای دیگری همانند اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ماست که توسط پادشاه معین می‌شوند. خبیث‌ترین افراد برای این شورا تعیین می‌شود، حال نمی‌دانم چطور شده است که «ابو سلیمان عبدالوهاب» هم داخل این شورا شده است. این شخص زمانی که به قم آمده بود، روز اول به زیارت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) رفت!!

این شخص مهمان مرحوم آیت الله العظمی اردبیلی بود. این شخص خدمت آیت الله العظمی سبحانی و دیگر مراجع رسید و هرزمانی که ما به مکه می‌رفتیم حاج آقای سبحانی به من سفارش می‌کردند که از طرف من به ایشان سلام برسانید.

بنده یک روز در ماه رمضان رفتم تا پیام حاج آقای سبحانی را به ایشان برسانم. دوستانی که به مکه مشرف شدند، می‌دانند که وقتی از باب السلام خارج شویم در سمت راست قسمتی از بلندی عبارت «مکتبة مكة المكرمة» نوشته است. این قسمت که کتابخانه مکه مکرمه است، محل ولادت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

من رفتم پیام حاج آقای سبحانی را به ایشان ابلاغ کنم؛ ایشان در اولین جمله به من گفت: "سید نمی‌خواهی در محل ولادت رسول اکرم دو رکعت نماز بخوانی؟!"

من گفتم: دکتر! نیکی و پرسش؟! ایشان کلید را به منشی خود داد و گفت: اتاقی که محل ولادت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است را باز کن و نگذار هیچ کسی وارد شود. اجازه بده تا ایشان به آن قسمت برود و نماز بخواند.

شاید یکی از بهترین و حساس‌ترین لحظات عمر من همین نیم ساعتی بود که در ماه مبارک رمضان نزدیک ظهر در این قسمت گذراندم. زمانی که وارد اتاق شدم اصلاً حال و هوای دیگری داشت. معنویتی که من در آنجا احساس کردم حتی در کنار بیت الله الحرام احساس نکردم.

این شخص هم وهابی و عضو هیئت کبار علمای مکه است. حال درست است ما به این شخص بگوییم به خاطر اینکه وهابی هستی هیچکدام از اعمال تو پذیرفته نیست و باید در آتش بسوزی؟! بنابراین ما در برخورد با دشمن هم باید منصف باشیم؛

(وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَتَانُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَغْدِلُوا اغْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ)

و دشمنی با اشخاص و اقوام شما را به انحراف از حق نکشاند، عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است، و از خدا بترسید که خدا از آنچه می‌کنید با خبر است.

سوره مائده (۵): آیه ۸

این آیه در حقیقت به ما می‌فرماید که با دشمن هم مدارا کنید. «حافظ» در یک دو بیتی می‌گوید:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است

با دوستان مروت، با دشمنان مدارا

در هر صورت...

ما در این زمینه روایت دیگری هم داریم که روایت بسیار مهمی است. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید:

«أنت سيد في الدنيا سيد في الآخرة حبيبك حبيبي وحبيبي حبيب الله وعدوك عدوى وعدوى عدو الله
فالويل لمن أبغضك بعدى»

حاکم هم می‌گوید: صحیح علی شرط الشیخین!

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار
الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج ۳، ص
۱۳۸، ح ۴۶۴۰

البته «ذهبی» در ذیل روایت می‌نویسد:

«و ان كان رواه ثقات فهو منكر و ليس ببعيد من الوضع»

راویان روایت ثقة هستند اما بعید نیست که این روایت ساختگی باشد.

این جمله «ذهبی» مصداق بارز بغض و عداوت است. منکر به معنای روایتی است که غیر قابل قبول است و ما باید آن را انکار کنیم. اگر این روایت موضوع است، یکی از راویان روایت باید آن را وضع کرده باشند و وضع باشد. پس چطور می‌گوئی راویانش همه ثقة هستند!؟

به عنوان مثال شما می‌گویید که من داخل اتاق رفتم و دیدم که همه چراغها روشن است، اما من دیدم که تاریک است. این قضیه امکان پذیر نیست، زیرا اگر راویان این روایت ثقة هستند یکی از شرایط ثقة بودن این است که وضع نباشد. اول و آخر کلام این شخص متناقض است.

«ذهبی» در این روایت عبارت «فهو منکر» را آورده است و بیان می‌کند که راویان این روایت ثقه هستند، اما با عقیده من سازگار نیست. روایت منکر روایتی است که قابل قبول نیست؛ به این معنا که روایت سندا صحیح است، اما متناً با عقاید دیگر یا روایات مشهور سازگار نیست.

ولی خود همین «ذهبی» در جای دیگر می‌گوید: اگر قرار باشد ما روایات منکر را رد کنیم هیچ راوی نمی‌ماند، جز اینکه حدیث منکر دارند. ما نمی‌توانیم روایات منکر را رد کنیم.

همچنین در کتاب «میزان الاعتدال» جلد اول صفحه ۸۲ روایتی را نقل می‌کند و در ادامه می‌گوید:

«يشهد القلب أنه باطل»

قلب من شهادت می‌دهد که این روایت باطل است.

میزان الاعتدال فی نقد الرجال، المؤلف: شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی (المتوفی: ۷۴۸ هـ)، تحقیق: علی محمد البجاوی، الناشر: دار المعرفة للطباعة والنشر، بیروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۳۸۲ هـ - ۱۹۶۳ م، ج ۱، ص ۸۲، ح ۲۹۴

این‌ها افرادی هستند که باید فردای قیامت در آتش جهنم بسوزند، زیرا انکار فضایل امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هم، نصب است.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته